

تلی وحیدیان کامیار
دانشگاه فردوسی

زیباشناسی

چکیده:

شعر حاصل جوشش و غلیان موافقه و احساسات شاعر و هنر خلاق اوست که وزن، قافیه و ترفندهای هنرمندانه، آن را تجسم می‌بخشد. نوپسته در لحن گفتار، منظومه بدیعیه و وزنیه لحن حسام را بررسی کرده و ضمن بیان صورتهای مختلف هنرآفرینهای شاعر، مقام او را در شامری به تفکیک بازشناخته‌ایم.

ابن حسام و منظومه بدیعیه و وزنیه

آنچه زبان را به شعر و ادب تبدیل می‌کند کیمیای وزن و قافیه و ترفندهای معانی و بیانی و بدیعی است. شعر بعضی از شاعران حاصل جوشش و غلیان عواطف و هنر خلاق آنهاست. در این‌گونه اشعار، وزن و قافیه و ترفندهای شعر طبیعی و بدون تکلف، عواطف سرشار شاعر را تجسم می‌بخشند. به عبارت دیگر در شعر اینان ترفندهای شاعری آگاهانه به کار نمی‌رود، مانند غزلیات شمس. برعکس در نظم بعضی ناظران از این ابزارها آگاهانه استفاده می‌شود.

اشعار شاعران دیگر به درجات یا به گروه اول نزدیک است یا دوم.

نوعی نظم هم هست که هدف ناظم از ترکیب کلی آن، فقط ارائه انواع گوناگون ترفندهای شاعری است نه زیبایی آفرینی و تجسم بخشیدن به عواطف به مدد زبان. حتی بعضی از این منظومه‌ها رساله‌یی هستند در بدیع یا عروض به نام منظومه‌های بدیعیه و وزنیه. سرودن این نوع منظومه‌ها در ادب فارسی از قرن ششم آغاز شد و در قرنهای بعد

اهمیت و گسترش بیشتر یافت. یکی از نخستین کسانی که منظومه بدیعیه سروده قوامی مطرزی گنجوی است، برادر نظامی گنجوی، در قرن ششم که در هریت قصیده صنعتی به کار برده است و پس از او ابوالمفاخر رازی و سید ذوالفقار شروانی و شرف الدین فضل قزوینی و شمس فخری سپاهانی و سلمان ساوجی و سراجی سگزی و بالاخره در قرن نهم محمد بن حسام خوسفی و دیگران.^۱

نکته قابل توجه این است که گرچه کتابهای بدیع و بلاغت و عروض و قافیه، ابتدا در زبان عربی تدوین گشت و بعد با فاصله‌ای زیاد، به زبان فارسی نوشته شد؛ اما منظومه‌های بدیعیه و وزنیه ابتدا به زبان فارسی سروده شد و پس از یک قرن در زبان عربی معمول گشت و نخستین کسی که قصیده بدیعیه در عربی سروده امین الدین اربلی بوده است (متوفی ۶۷۰) و پس از او صفی الدین حلی و دیگران.^۲

منظومه‌های بدیعیه بر سه نوع هستند: نخست آنها که شاعر در منظومه خود یک ترفند بدیعی را از آغاز شعر تا پایان رعایت می‌کند، مثلاً در تمام مصرعها یا ابیات ترفند تجاهل العارف را به کار می‌گیرد یا ردالعجز الی الصدر را در تمام ابیات یا تجنیس یا ذوب‌خبرین و ذوقافیتین را.

در نوع دوم، شاعر در هر بیت ترفند ادبی یا بیانی خاصی را می‌آورد و در حقیقت قصیده او مثالهایی است برای هر یک از ترفندهای ادبی یا این که در کل شعر ترفند موشح را به کار می‌برد و جز اینها.

نوع سوم، منظومه‌های وزنیه است که شاعر برای هر وزنی مصرع یا بیتی می‌سراید. بعضی از این منظومه‌ها بیشتر جنبه آموزش عروض دارد مانند منظومه وزنیه صفی الدین حلی که با فرا گرفتن این منظومه ۱۶ وزن شعر عرب را می‌شناساند با نام آنها. در بعضی دیگر شاعر قصیده‌ای را در اوزان مختلف می‌سراید، مانند قصیده معروف سلمان ساوجی به مطلع:

۱- ر.ک: میرجلال الدین کزازی، در دیباچه بدایع الافکار فی صنایع الاشعار، تألیف میرزا حسین واعظ کاشفی سبزواری، نشر مرکز، تهران، ۱۳۶۹؛ همچنین ر.ک: ذبیح الله صفا، تاریخ ادبیات ایران، ج ۳، بخش اول، تهران، ۱۳۵۱، ص ۳۳۸-۹.

۲- ر.ک: محمدرضا حکیمی، ادبیات و تعهد در اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۶.

صفای صفوت رویت بریخت آب بهار
 که در آن ۶۴ وزن مختلف به کار گرفته شده است.

معمولاً منظومه وزنیه منظومه بدیعیه نیز هست، مانند همین منظومه سلمان ساوجی و قصیده معروف ابن حسام که هم وزنیه است و هم بدیعیه در نعت پیامبر گرامی (ص) به مطلع:

کرا هوای بهارست و جانب گلزار
 که نوعروس چمن جلوه می دهد رخسار
 ابن حسام این منظومه را در جواب منظومه نزهة الابصار فی معرفه بحور الاشعار
 شرف الدین فضل الله قزوینی به مطلع:

از اعتدال نسیم صبای عنبریار
 عروس گل بجز امید سوی صفت یار
 سروده است. شرف الدین در این منظومه پنجاه بیتی را در اوزان گوناگون سروده است.
 ضمناً ترفند موشح را نیز در آن به کار گرفته است.

منظومه ابن حسام قصیده سحریه یا سرورالعین نام دارد و در ۱۹۲ بیت سروده شده است.

در ۴۴ وزن ولی دو تا از این اوزان طبق عروض علمی گونه وزن هستند نه وزنی مستقل:

یکی وزن: فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن (ص ۶۸) که گونه وزن فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن (ص ۶۴) است، زیرا هجای آخر چون به سکوت ختم می شود؛ اگر کوتاه یا کشیده باشد، برابر هجای بلند است.

همچنین وزن مفعول فاعلاتن فاعلاتن (ص ۶۹) به گونه وزن مفعول فاعلاتن فاعلن (ص ۶۹) است.

آخرین بیتی که در این قصیده به کار رفته، غلط تقطیع شده است. بیت این است:
 صد تحیات و درود، خوشتر از باد شمال
 از خداوند انام بر تو و عزت و آل
 که وزنی دوری است یعنی فاعلاتن فعلن فاعلاتن فعلن و به جای اولین فاعلاتن آن می تواند فاعلاتن بیاید و به جای فعلن چون وزن دوری است فاعلاتن.

اما در خود دیوان این بیت به صورت فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن تقطیع شده که

درست نیست. به علاوه چنین وزنی وجود ندارد. به هر حال در این قصیده ۴۲ وزن به کار گرفته شده است. اوزان این قصیده، بعضی از پرکاربردترین و خوشترین اوزان شعر فارسی است همانند بحر رجز، بحر رمل، بحر هزج و بحر تقارب. اما بعضی از اوزان چندان خوش نیست با آنکه شعر حسام در این اوزان خوش افتاده است:

مفعول فاعلاتن مفاعیلن

از طلعت تو سطح فلک روشن
از مرکب تو صحن زمین گلشن
یا مفعول فاعلاتن فاعولن
خاک در تو کعبه آدم
یا فاعلاتن مفاعیلن فاعلاتن:
کوی توبه ز قبلة عالم

که تواند سخن به نعت تو گفتن
که بداند گهر به قدر تو سفتن
ابن حسام در یکی از اوزان عرب نیز شعر سروده است: ۴ بار متفاعیلن:

ز عبیر طره عنبرینه، شامه‌ای به صبا رسان
ز غبار موکب سرمه‌گون، اثری به دیده مارسان
یکی از اوزانی که ابن حسام به کار برده و در زمان شاعر، کاربرد کمی داشته یا نادر بوده، اما دارای وزنی خوش است وزن فاعلن فاعلن فاعلن فاعلن است که به صورت فاعلن فاعلن فاعلن فع درمی‌آید. و بعدها میرزا حبیب خراسانی و نیمایوشیج در مزاحف آن شعر سروده‌اند.

چون غم دوریت سردلم کار کرد
اشتیاق تنم زار و غم خوار کرد

یکی از ابیات هم در وزنی کوتاه است که در شعر فارسی کاربرد ندارد یعنی مفتعلن مفتعلن یعنی رجز مطوی مربع. و اما اشعاری که در این اوزان سروده شده بی‌شک کاملاً متکلف است زیرا خود قصیده در وزن مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن سروده شده است، اما پس از هر چند بیت، بیتی می‌آید در وزین جدید، واژه‌هایی که این بیت جدید را تشکیل می‌دهند متتبعی از واژه‌های ابیات قبل است، مثلاً در پنج بیت اول قصیده:

کرا هوای بهار است و جانب گلزار
که نوعروس چمن جلوه می‌دهد رخسار
یکی فضای جهان بین ملون از لاله
دگر هوای درختان مزین از گل نار

سواد طره سنبل به دست باد شمال
 ترا سریر چمن خوش بود چو صحرا را
 مرو ز باغ چو گلها چمن بیاراید
 جو زلف بر رخ زیبای سرو لاله عذار
 ز مهد غنچه دهد افسر زبرجد کار
 دم سحر بنماید ز شاخها ازهار
 واژه‌هایی است که با حروف درشت چاپ شده است. شاعر این واژه‌ها را چنان
 نظم می‌دهد که:

۱- از نظر نحوی چنان باشند که با قواعد زبان فارسی مطابقت داشته باشد و دارای
 معنی باشند.

۲- این معنی با معنی کل قصیده هماهنگی داشته باشد.

۳- این معنی به صورت زیبایی همراه با ترفندهای شاعرانه باشد.

۴- دارای وزنی جدید باشند.

۵- از مجموع حروف ابیات اول قصیده کلمه یا کلماتی معنی‌دار ساخته شود
 (حروف اول این پنج بیت «کیستم» است).

۶- از مجموع این واژه‌ها، ابیاتی دیگر ساخته شود.

۷- بعضی از این ابیات دارای صنعتی نیز هستند.

پیدا است که با این همه مانع و التزام، سرودن بیتی در وزنی جدید چقدر دشوار
 است. با این همه ابن حسام این ابیات را نیز زیبا سروده است. مثلاً بیت ششم قصیده این
 است:

بهار از لاله و سنل چو صحرا را بیاراید
 عروس گلرخ زیبا ز مهد غنچه بنماید
 و بیت بعد که از واژه‌های چهار بیت درست شده، نیز خوش است:

بس که باد اندر سحرگه می‌تُماید مشکبازی
 می‌برد بوی نسیمش رونق مشک تَتاری

این قصیده محمد بن حسام نه تنها وزنیه است بلکه بدیعیه نیز هست و این آرایه‌ها و
 ترفندها در آن به کار رفته است:

۱- چنان که گفتیم از حروف اول چند بیت، واژه و از مجموع واژه‌ها ابیاتی ساخته
 می‌شود.

۲- چنان که گفتیم از مجموع گزیده‌ای از واژه‌های هر چند بیت، بیتی ساخته می‌شود.

۳. صناعاتی مانند مقطعات الحروف یا موصل یا محذوف الالف، غیر منقوط، یا منقوطه در آن به کار رفته که در زمان شاعر هنری محسوب می شده؛ گرچه به گفته شبلی نعمانی در شعرالعجم (جلد چهارم) شعر سرودن با این نوع صناعات رنجی کوهی دارد و ارزش کاهی؛ به مانند این بیت:

ز دوران دوار دون زار و زردم ز زاری و زردی در آزار و دردم
که هیچ یک از حروف آن به هم وصل نمی شود. یا این بیت:
صدور درگه دارالسلام را سرور کرام عالم معمور علم را سردار
که بی نقطه است.

۴. از این گونه صناعات که بگذریم، بعضی از ابیات ملمع هستند.

تف ستان تو برمان برق بارق شد که نار حارق او سوخت سینه اشوار
سیفک القهار برق بارق رمحک الجزار نارا حارق

البته ترفندهای دیگر شاعرانه مانند موازنه، تلمیح، مراعات نظیر و ... نیز در آن قصیده بسیار است منتها جنبه التزام ندارد.

این حسام با سرودن این قصیده یکی از چند تن شاعر بدیمیه و وزنیه سرای زبان فارسی به شمار می آید.

این حسام علاوه بر این قصیده، سه ترکیب بند در مدح قائم آل محمد - علیه السلام - سروده که منحصر به فرد و زیبا است و کسی هرگز چون او نسروده است. هر یک از این ترکیب بندها دارای هفت بند است. ردیفهای هفت بند شعر اول نام رنگهاست: سید، سرخ، زرد، سبز، کیود، بنفش، سیاه. ردیفهای ترکیب بند دوم نام هفت جواهر است: گوهر، لعل، یاقوت، عقیق، مروارید، مرجان و ردیفهای ترکیب بند سوم نام هفت گل: نرگس، لاله، گل، نیلوفر، سنبل، سمن، سوسن است.

در این ترکیب بندها چنانکه می بینیم واژه های ردیف مجموعه هماهنگ و زیبایی را تشکیل می دهند.

به هر حال شعر ناب محصول لحظات ناخود آگاهی شاعر است و سخن گفتن ز راز و رمز و اسرار درون و ضمیر ناخود آگاه و به عبارت دیگر شعر ناب عقده گشایی است و

چنین شعری نه تنها عالماً عامداً سروده نمی‌شود و صناعات شاعری در آن عمداً به کار گرفته نمی‌شود بلکه شعر ناب همچون آه کشیدن است که بی اختیار بر لب می‌نشیند و به همین دلیل شعر ناب طرح قبلی ندارد. به شاعر حالتی دست می‌دهد پر از شور و حال و جذبه و در این حال نیرویی شگفت پیدامی‌کند که واژه‌ها و زبان چون موم در دست، در ذهن او به راحتی شکل می‌گیرند؛ به طوری که به خوبی عواطف او را نشان می‌دهند. به عبارت دیگر بهره‌گیری از ترفندهای شاعرانه نیز در همان حال شور و جذبه و ناخودآگاهی صورت می‌گیرد.

اما شعر متکلف که با آگاهی ساخته می‌شود گرچه در نقطه مقابل شعر ناب قرار دارد اما خود هنری است، هنری همانند تذهیب و منبت‌کاری که دارای طرح قبلی است. در این نوع اشعار، واژه‌ها و ترفندهای شاعری عالماً عامداً؛ گرفته می‌شود و زیبایی آن نیز در حد زیبایی هنر تذهیب و منبت‌کاری و ... است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی